

مفهوم‌شناسی زینت و حکم فقهی ابداء آرایش‌های نوپدید

آمنه چینی‌ساز^۱

چکیده

میل به زیبایی، میلی فطری است که در زنان از نمود بیشتری برخوردار است. اسلام با اختصاص دادن اظهار زینت زن در مقابل همسر و محارم، درصدد حفظ بنیان خانواده است. از طرفی، با پیشرفت چشمگیر آرایش‌های نوپدید، برخی در پی اثبات این امر هستند که همان طور که وجه و کفین از حرمت ابداء استثنا شده، هر نوع آرایش در این دو عضو نیز استثنا است. در این مقاله با بررسی دقیق مفهوم‌شناسی «زینت» اثبات می‌شود که زینت گستره وسیعی دارد. همچنین با بررسی آیه ۳۱ سوره نور مبنی بر استثنای زینت ظاهر و بررسی روایات مرتبط با آیه برداشت می‌شود که ملاک در زینت‌های استثنا شده، زینت‌های معمول زنان در دست یا صورت آنها، همچون سرمه و انگشتر و یا زینت‌هایی با همین هیئت است و آیه دال بر استثنای بیشتر از این زینت‌ها نیست. علاوه بر اینکه با توجه به معنای لغوی زینت، استعمال این لفظ در معنای بدن صحیح نیست. لکن با توجه به آیه ۳۱ سوره نور که زنان را از ابداء زینت نهی فرموده و با وجود روایاتی که زینت را در معنای بدن استعمال کرده‌اند می‌توان گفت شارع در حدود و ثغور تشخیص زینت نقش داشته و دایره زینت را فراتر برده است. لذا می‌توان بدن را زینتی بالقوه دانست که با استفاده از برخی آرایش‌ها و حتی عمل‌های

۱. دانش‌آموخته سطح چهار فقه خانواده جامعه الزهراء (ع)، قم، ایران؛ amenchinisaz65@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۰۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

جراحی، زیبایی‌های بدن بروز و ظهور می‌یابد. البته غالباً این گونه است و زیبایی نسبی برخی افراد، مانع از این برداشت نیست و لذا آیه، از ابداء زینت بالقوه بدن مقابل نامحرم نیز نهی نموده است.

واژگان کلیدی: زینت، زیورآلات، آرایش‌های نوپدید، زن، حجاب، پوشش، حجاب‌استایل.



مقدمه

پژوهش‌های بسیاری به بررسی معناشناسی آیه ۳۱ سوره نور پرداخته‌اند. این آیه یکی از آیات بسیار مهم در باب محدوده حجاب زن است. مفهوم اصلی در این آیه «زینت» است که بررسی دقیق مفهوم شناسی آن، نقش مهمی در فهم آیه و روایات مفسره آیه دارد. به نظر می‌رسد عدم دقت در مفهوم شناسی زینت، نقش فراوانی در بیراهه رفتن برخی از پژوهشگران نسبت به محدوده پوشش زن دارد. برخی از پژوهشگران، مسئله حجاب را کاملاً عرفی دانسته و حدود و ثغور آن را به عرف هر جامعه سپرده و قائلند اصل وجوب حجاب، برای جلوگیری از فحشا و رابطه جنسی حرام در جامعه عصر نزول بوده و حال که جامعه تغییر کرده و نگاه به زن و مرد کاملاً یکسان است و روابط آنان باهم به قصد و غرض روابط جنسی نیست، حکم وجوب حجاب به طور کلی تغییر کرده است و فقه باید در مقابل عرف جامعه تنزل پیدا کند.^۱ با پیشرفت مصادیق زینت، حتی برخی از متشرعین نیز به بهانه به روز بودن و شیک پوشی، به حجاب‌ها و پوشش‌های افرادی تحت عنوان حجاب استایل^۲ روی آورده‌اند و با این بهانه که این گونه حجاب‌ها حدود پوشش شرعی را جابه‌جا نکرده است، روزه‌روز بر تعداد استفاده‌کنندگان می‌افزاید. حال آنکه فقه معاصر - به معنای فقه پاسخ‌گو به نیازهای روز مکلفین - لازم است ابعاد موضوعات جدید را بررسی کند و با استنباط از آیات، روایات و ادله موجود، پاسخی مناسب در پیش روی آنان قرار دهد.

۱. پیشینه پژوهش

باتوجه به بیان لفظ «زینت» در آیه ۳۱ سوره نور، در این آیه، به حکم فقهی حرمت ابداء زینت اشاره شده است؛ لذا بیشتر پژوهش‌های انجام شده پیرامون زینت، ناظر به این

۱. جعفری هرنیدی و همکاران (۱۳۹۸)، «تاثیر عرف در احکام پوشش و حجاب زنان مسلمان»، نشریه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ص ۷۵ - ۹۶.

۲. حجاب استایل به افرادی اشاره می‌کند که حجاب را برخلاف فلسفه حجاب اسلامی، برای دیده شدن استعمال می‌کنند و به آن، مدلینگ حجاب نیز می‌گویند.

آیه است و با بررسی معنای لغوی زینت، وارد بحث از معناشناسی آیه شده‌اند. از جمله این پژوهش‌ها، مقاله «اظهار زینت زن و حکم آن»، نوشته خالد غفوری (تابستان ۱۳۸۷) است. همچنین در مقاله «ماهیت‌شناسی فقهی مسئله پوشش وجه و کفین با رویکردهای قرآنی» به قلم اکرم عبدالله پور (بهار ۱۳۸۶)، نویسنده پس از بیان مختصر مفهوم زینت، به بررسی حکم فقهی پوشش وجه و کفین و بیان ادله قائلین به این حکم و نقد آنان پرداخته است. مقاله «گستره حجاب در قرآن» نگاشته فرزانه غفاری (تابستان ۱۳۹۱) نیز صرفاً به صورت کلی، به آیات و روایات پیرامون حجاب پرداخته و به شکل مجزا، به بررسی زینت و ماهیت آن پرداخته است.

با بررسی سایر مقالات مرتبط با حجاب، کمبود مطالعات متمرکز بر مسئله زینت، به ویژه زینت و آرایش‌های نوپدید به چشم می‌خورد. لذا مقاله حاضر با بررسی اختصاصی مسئله زینت و تأثیر آن در تشخیص مصادیق زینت که روزه‌روز در حال گسترش است، به تأثیر مفهوم زینت در فقه و حکم فقهی ابداء آرایش‌های نوپدید می‌پردازد.

۲. مفهوم‌شناسی

۱- ۲. زینت

الف) معنای لغوی: واژه «زینت» در زبان عربی ریشه در مفهوم «نقیض شین» دارد. لغت‌شناسان از گذشته تاکنون، زینت را به معنای عام و جامعی به کار برده‌اند که شامل هر آن چیزی می‌شود که با آن بتوان چیزی را آراسته و زیبا کرد: «الزین: نقیض الشین... الزینة جامع لكل ما یتزین به؛ زینت اسمی جامع برای هر چیزی است که با آن زینت شود» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۳۸۷؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۹۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۲۰۱ و فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۶۱). ظاهر عبارت لغویون بر این معنا دلالت دارد که زینت، تنها در زیورآلات و آرایش‌های خارجی به کار می‌رود؛ چراکه معمولاً با این آلات و آرایش‌ها، فرد خود را زینت می‌دهد. با این حال، جوهری در الصحاح و ابن منظور در لسان العرب، ضمن تعریف زینت به عنوان نقیض شین (یعنی هرآنچه که زشتی نباشد)، به مثالی از کاربرد

این واژه در زبان عربی اشاره می‌کنند. آنها بیان می‌دارند که در زبان عربی، عبارت «رجل مزین» به مردی اطلاق می‌شده که موهای خود را کوتاه و مرتب کرده است: «رَجُلٌ مُزَيَّنٌ، أَيْ مُقَدِّدُ الشَّعْرِ» (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۱۳۲ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۲۰۱). با این مثال روشن می‌شود که مفهوم زینت تا حدی گسترده است که حتی شامل پیرایش هم می‌شود و مختص زیورآلات و یا آرایش‌های خارجی نیست.

براین اساس می‌توان نتیجه گرفت مفهوم زینت در زبان عربی، فراتر از اشیای زینتی ظاهری است و شامل هر عملی می‌شود که به بهبود ظاهر و آراستگی منجر گردد و موافق طبع باشد؛ حتی اگر این عمل، نیازی به زیورآلات خارجی نداشته و تنها پیرایش مو باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۱).

راغب اصفهانی با نگاهی عمیق‌تر به مفهوم زینت، آن را به عنوان هرآنچه که انسان را در هیچ حالتی، چه در دنیا و چه در آخرت، زشت و ننگین نکند تعریف کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۸۸). این تعریف نشان می‌دهد که زینت حقیقی، نه تنها به ظاهر، بلکه به باطن و شخصیت انسان نیز مرتبط است. با این توصیف، کلام زیبا، دستنویس دلنشین، اخلاق خوب و به‌طورکلی فضایل اخلاقی و کمالات انسانی نیز در محدوده زینت جای می‌گیرند.

با بررسی عبارت لغویون پیرامون زینت می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم زینت در زبان عربی، دارای ابعاد مختلفی است. از یک سو، زیبایی ظاهری و آراستگی، از جمله مصادیق زینت است؛ و از سوی دیگر، فضایل اخلاقی و کمالات انسانی را شامل می‌شود. به عبارت دیگر، زینت می‌تواند هم جنبه ظاهری داشته باشد و هم جنبه باطنی (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۴، ص ۳۷۵).

در بحث درباره مفهوم زینت، اغلب با مفهوم مرتبط دیگری به نام حلیت مواجه می‌شویم. اگرچه این دو مفهوم به هم نزدیک هستند، اما تفاوت‌های مهمی بین آنها وجود دارد که شناخت این تفاوت‌ها برای فهم دقیق هر دو مفهوم ضروری است (همان).

در منابع لغوی مانند لسان العرب، زینت معنایی بسیار گسترده‌تر از حلیت دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۲۰۱). چراکه حلیت به طور خاص به زیورآلات و اشیای زینتی اطلاق شده است (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۴، ص ۳۷۵)؛ درحالی‌که زینت، به همه انواع زیبایی‌ها اطلاق می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۳۸۷؛ صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۹۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۲۰۱ و فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۶۱).

بنابراین، حلیت زیرمجموعه زینت محسوب می‌شود. درالتحقیق ذکر شده که حلیت مختص زینت عرضی است، برخلاف زینت که معنایی عام دارد و هرگونه حسن ظاهری را شامل می‌شود؛ همچنان‌که برخی از مؤلفین از این حقیقت غفلت کرده و زینت را به معنای خاص حلیت تفسیر نموده‌اند. (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۴، ص ۳۷۵).

باتوجه به رابطه عموم و خصوص مطلق میان مفهوم حلیت (خاص) و زینت (عام) می‌توان یکی از تفاوت‌های حلیه و زینت را این دانست که حلیت یا زیورآلات به آلاتی گفته می‌شود که به غرض آراستگی از آن استفاده شده است و غرض دیگری از استفاده آن متبادر نیست؛ لکن زینت، به نفس ویژگی آراستگی گفته می‌شود، حال به هر قصدی منشأ آن ایجاد شده باشد. به عبارت دیگر، اثر و نتیجه استفاده از حلیت و زیورآلات، زینت و آراستگی است. لذا قصد استفاده از زینت، اعم از قصد استفاده از حلیه است. قرینه این استظهار، مفهوم لغوی عَطَّل است.

در توضیح لفظ «عَطَّل»، در لسان العرب ذکر شده که: «و امرأة عَطَّلَاء: لا حَلِيَّ عليها. و في الحديث: يا عَلِيُّ مَرْ نساءك لا يُصَلِّينَ عَطَّلًا؛ الْعَطَلُ: فِقْدان الحلي» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۴۵۴). عبارت لسان العرب نشان می‌دهد که لفظ «عَطَّل»، به خالی بودن زن از حلیت و زینت خارجی اشاره دارد و لذا زینت، اعم از حلیت است.

پس به‌طورکلی، دو معنا برای زینت ذکر شده است:

- چیزی که با آن زینت و تزئین انجام می‌شود که در معنای عرفی به آن زیورآلات اطلاق شده است (خاص).

- نقیض شین، و هرآنچه شیء یا انسان را زشت ننماید، حتی اگر زیبا نکند (عام).
باتوجه به مفهوم‌شناسی زینت و حلیت، به نظر می‌رسد گاهی از جهت اطلاق عام بر خاص، به حلیت، زینت اطلاق شده است؛ لکن این امر مانع از عمومیت مفهوم زینت نمی‌شود. براین اساس، باتوجه به کلمات اکثر لغویون، مفهوم زینت عام است و همان طور که شامل زیورآلات و آرایش‌های عارضی می‌شود، شامل زینت‌های طبیعی و ذاتی و پیرایش نیز می‌گردد. البته اطلاق زینت بر بدن زن از عبارات لغت‌شناسان اثبات نمی‌شود؛ چراکه عرفاً بدن از آلاتی نیست که فرد خود را با آن بیاراید؛ بلکه بدن محل زینت واقع می‌شود.

ب) **معنای اصطلاحی:** باتوجه به اینکه زینت، موضوع برخی احکام فقهی واقع شده است، با مراجعه به کتب فقهی، معنایی مجزا از معنای لغوی برای زینت یافت نگردید. لذا معنای لغوی و اصطلاحی زینت یکسان بوده و گستره آن به اندازه معنای لغوی است. البته برای زینت در آیه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ»^۱، سه معنا ذکر شده است:

یک - برخی مراد از زینت را، **مواضع زینت** عنوان نموده‌اند (کاظمی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۶۹؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا، ص ۵۴۶؛ خوبی، ۱۴۱۸، ج ۳۲، ص ۱۸ و سبحانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱).
دو - برخی مراد از زینت در آیه را **نفس زینت** (ما یتزین به المرأة) عنوان نموده‌اند نه موضع زینت (املی، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۵۷۱).

سه - برخی به استناد روایات، هر دو معنا را ذکر کرده و زینت در آیه را هم شامل مواضع زینت و هم شامل نفس زینت عنوان نموده‌اند (جمعی از مؤلفان (ب)، بی‌تا، ج ۱۱-۱۲، ص ۲۳۹).

۲-۲. آرایش‌های نوپدید

معنای لغوی آرایش‌های نوپدید روشن است و به آن نمی‌پردازیم. اما درباره مفهوم اصطلاحی و آنچه مبنای ما در این مقاله است مقداری توضیح می‌دهیم.
در گذشته، برخی آلات یا برخی آرایش‌های معمول برای زینت زنان مورد استفاده قرار می‌گرفت. اما امروزه زینت، معنای گسترده‌تری به خود گرفته است و شامل انواع

و اقسام آرایش‌ها و حتی عمل‌های جراحی نیز می‌شود. عمل‌ها و آرایش‌هایی که گاه، ماهیت و یا کیفیت اعضای بدن را دستخوش تغییر قرار می‌دهند؛ آرایش‌هایی همچون انواع کاشت ناخن، تاتوها (ابرو، بدن و...) به صورت دائم و موقت، لیفت و لمینت مژه و ابرو، اکستنشن مژه و موارد دیگر. مجموع این آرایش‌ها و اعمال، تحت عنوان آرایش‌های نوپدید جای گرفته‌اند. چنان‌که در تبیین معنای لغوی زینت ذکر شد، زینت معنای عامی دارد؛ لذا علاوه بر آرایش‌ها و اعمال جراحی، استفاده خاص از زیورآلاتی که قبلاً معمول نبوده‌اند نیز تحت عنوان زینت‌های نوپدید جای دارد. به عنوان نمونه، استفاده از نگین و سنگ‌های زینتی روی چادر و مانتو یا لباس ظاهر، قرار دادن زنجیر و پلاک طلا و نقره و... روی لباس و... را نیز می‌توان نحوه استفاده جدیدی از زینت قرار داد.

مراد از زینت آشکار یا «ما ظهر»

چنان‌که بیان شد، یکی از آیاتی که به موضوع زینت زن اشاره داشته و فهم دقیق آن در برداشت صحیح از محدوده پوشش زن نقش مهمی دارد، آیه ۳۱ سوره مبارکه نور است:

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ و به زنان باایمان بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، و زینت خود را [مانند لباس‌های زیبا، گوشواره و گردن‌بند] مگر مقداری که [طبیعتاً مانند انگشتر و حنا و سرمه، بر دست و صورت] پیدا است [در برابر کسی] آشکار نکنند، و [برای پوشاندن گردن و سینه] مقنعه‌های خود را به روی گریبان‌هایشان بیندازند، و زینت خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان،

یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان [هم‌کیش خود]شان، یا بردگان زرخیدشان، یا خدمتکارانشان از مردانی که ساده‌لوح و کم‌عقل‌اند و نیاز شهوانی حس نمی‌کنند، یا کودکانی که [به سنّ تمیز دادن خوب و بد نسبت به امیال جنسی] نرسیده‌اند. و زنان نباید پاهایشان را [هنگام راه رفتن، آن‌گونه] به زمین بزنند تا آنچه از زینت‌هایشان پنهان می‌دارند [به وسیله نامحرم‌ان] شناخته شود. و [شما] ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید تا رستگار شوید».

از آنجا که مراد از «ما ظهر» یا زینت ظاهر در آیه روشن نبوده، مورد سؤال واقع شده است. در برخی از روایات، تنها زیورآلات به عنوان زینت ظاهر عنوان شده‌اند؛ مثل صحیح‌ه ابی بصیر «انگشتر و دستبند» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۰۱). در برخی دیگر، هم زیورآلات و هم آرایش‌های خارجی، به عنوان زینت ظاهر عنوان شده‌اند؛ مثل موثقه زراره «سرمه و انگشتر» (همان). در برخی روایات دیگر، مراد از زینت ظاهر، وجه و کفین عنوان شده است؛ از جمله صحیح‌ه مسعدة بن زیاد (همان، ص ۲۰۲) و صحیح‌ه فضیل (همان، ص ۲۰۰).

به نظر می‌رسد نحوه جمع این روایات توسط عده‌ای که قائل به جواز کشف وجه و کفین هستند (عاملی کرکی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۹۶ و کاظمی، بی تا، ج ۳، ص ۲۷۲) این است که به قرینه ذیل آیه ۳۱ سوره نور: «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»^۱، مستعمل فیه شارع از زینت ظاهر، همان موارد ذکر شده در روایات همچون سرمه، انگشتر و یا دستبند^۱ باشد؛ لکن مراد جدی شارع، وجه و کفین بوده است. لذا روایاتی که زینت ظاهر را در

۱. با این توضیح، اشکال دیگری که در این روایات است حل می‌شود. اشکال این است که در روایت ابی بصیر و نیز در روایت ابی الجارود، سوار (دستبند) را هم در شمار زینت ظاهر دانسته است با اینکه طبق روایات دیگر و نظر مشهور، بیشتر از کف، چیزی از دست استثنا نیست. در پاسخ این اشکال می‌گوییم جواز ابدای سوار، نه به معنای جواز ابدای موضع سوار است تا اشکال پیش بیاید؛ بلکه کنایه از جواز ابدای قسمتی از دست است که معمولاً به همراه ابدای سوار ظاهر می‌باشد؛ یعنی کف، برخلاف قسمت‌های بالای دست و موضع زیر سوار که بالطبع به وسیله سوار یا لباس پوشیده است (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۵۷۱).

سرمه و انگشتر و دستبند عنوان نموده‌اند، کنایه از جواز کشف وجه و کفین هستند و روایاتی همچون صحیح‌ه فضیل و مسعده بن زیاد، به مراد جدی شارع یعنی جواز کشف وجه و کفین اشاره دارند (شبییری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۵۷۱).

مذهب سبزواری قائل است این مسئله، اختلافی و اجتهادی بوده و مقتضای فروع اجتهادی، اختلاف نظر در استنباط حکم است. ایشان اصل اولیه در مسئله ستر و نظر را عدم جواز ابداء و نظر عنوان نموده است. دلایل وی بر این اصل، علاوه بر مستفاد از روایات، مقتضای مرتکزات متشرعه عنوان شده است. لذا اصل اولیه را عدم جواز ابداء و نظر دانسته است، مگر اینکه دلیلی بر جواز داشته باشیم (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۴، ص ۴۰). به نظر می‌رسد باتوجه به روایاتی که در تفسیر مراد از «ما ظهر» وارد شده است، وجه و کفین از جمله زینت‌های استثنا شده باشند.

۱-۲-۲. استثنای زینت‌های معمول در وجه و کفین

از بخش قبل، استثنای وجه و کفین از حکم حرمت ابداء اثبات شد. باتوجه به روایاتی که مراد از ما ظهر را سرمه و انگشتر و... عنوان کرده بودند، از آنجاکه معمولاً وجه و کفین زنان، از زینت‌های خارجی و زیورآلات معمولی عاری نیستند، می‌توان گفت زینت‌های معمول این دو عضو، همچون سرمه و انگشتر نیز جواز کشف داشته باشند. البته نمی‌توان قائل به حصر زینت‌های مستعمل در وجه و کفین در سرمه و انگشتر عصر نزول شد؛ چراکه آن سرمه و آن انگشتر قاعداً امروزه دیگر مورد استفاده واقع نمی‌شود و از آنجاکه قرآن، معجزه خاتم النبیین و برای تمام عصرهاست، نمی‌توان آن را تنها در زینت آشکار عصر نزول حصر نمود؛ زیرا زینت آشکار در آن دوره، کاملاً برای ما روشن نیست. از طرفی سپردن محدوده زینت آشکار به عرف هر جامعه، منجر به لغویت کلام الهی می‌شود (محقق داماد، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۱). لذا مراد از استثنای سرمه و انگشتر را می‌توان به زینت‌های غالبی مستعمل در وجه و کفین نیز برداشت نمود. از آنجاکه معمولاً زن‌ها حلقه ازدواج و یا انگشتر معمولی در دست دارند و در بیشتر مواقع، آرایش‌های معمولی

هم در چشم خود دارند که غالباً از آن عاری نیستند، می‌توان آنها را نیز در زینت ظاهر در نظر گرفت.

البته از جهت دیگر می‌توان گفت سرمه و انگشتر ذکر شده در روایات موضوعیت دارد؛ وگرنه عنوان زینت‌های معمول وجه و کفین در روایات ذکر می‌شد. همچنین ذکر این دو عنوان، دلالت بر حصر زینت آشکار در همین دو مورد دارد؛ چراکه زینت‌های دیگری نیز در عصر نزول مورد استفاده بوده، اما در روایات به عنوان استثنا ذکر نشده است. پس روشن است که ماهیت سرمه و انگشتر موضوعیت دارد.

۳. احکام فقهی مرتبط با موضوع زینت

در آیه، به حکم فقهی حرمت ابداء زینت زن اشاره شده است. در این آیه، لفظ «زینت» دو بار استعمال شده است: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا... وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ...». در بررسی آیه، ابتدا باید ببینیم مراد از «نهی از ابداء زینت» چیست.

مراد از حرمت ابداء زینت

پیرامون اینکه مراد از حرمت ابداء زینت زن چیست، دو نظر وجود دارد. این دو نظر بر اساس برداشت از ماهیت زینت شکل گرفته است.

الف) نهی از آشکار کردن اعضای بدن

برخی گفته‌اند مراد، نهی از آشکار کردن اعضای بدن است؛ مثلاً چشم زیبا، موهای زیبا و... (محقق داماد، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۰). در این صورت، در آیه نیازی به تقدیر گرفتن نیست و زینت به معنای اعضای بدن است. حال ذکر شده، اما محل اراده شده است (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۴۰۸، ص ۵۷۴ و محقق داماد، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۰) و علت ذکر زینت به جای مواضع زینت را مبالغه عنوان نموده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۳۰). برخی روایات، مؤید همین معنا هستند؛ همچون روایت فضیل که علاوه بر اینکه ذراع (ساعد) زن را زینت شمرده، زیر خمار (مقنعه) و زیر (سوار) دستبند را هم زینت شمرده است: «مُحَمَّدٌ بِنِ يَغُوبُ عَنْ

عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنِ الْفَضِيلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الدَّرَاعَيْنِ مِنَ الْمَرْأَةِ - هُمَا مِنَ الزَّيْنَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ. قَالَ: نَعَمْ وَمَا دُونَ الْحِمَارِ مِنَ الزَّيْنَةِ وَمَا دُونَ السَّوَارِيِّنَ» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۰۰).

ب) نهی از ابداء نفس زینت زن

برخی دیگر قائل شده‌اند که مراد از «نهی از ابداء زینت» در آیه، نهی از ابداء نفس زینت زن و چیزی است که زن با آن خود را می‌آراید؛ چراکه نظر به نفس زینت، برای همه جایز است (مقدس اردبیلی، بی تا، ۵۴۵؛ حلی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۲۲۲ و خوبی، ۱۴۱۸، ج ۳۲، ص ۴۱). خواه زینت، متصل به عضوی از بدن باشد، مثل سرمه و حنا و... یا زینت‌هایی که به عضو بدن متصل نیستند؛ بلکه آویزان به بدن می‌شوند، مثل طلا و نقره و... (محقق داماد، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۰). این معنا، از جهت لغوی به مفهوم زینت نزدیک‌تر است. منتها اگر مراد از زینت، نفس زینت باشد، قاعدتاً در تفسیر آیه با توجه به تناسب حکم و موضوع، نیاز به تقدیر وجود دارد و مراد از زینت، مواضع زینت است (خوبی، ۱۴۱۸، ج ۱۲، ص ۶۶؛ حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱۴، ص ۲۸؛ محقق داماد، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۰ و جمعی از مؤلفان (الف)، بی تا، ج ۵۴، ص ۱۵۱).

روایاتی دیگر مؤید این نظر هستند که مراد از زینت، نفس زینت باشد. از آن جمله، صحیح‌ه ابی بصیر است: «الحسین بن محمد عن احمد بن اسحاق عن سعدان بن مسلم عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن قول الله تعالى ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾. قال: الخاتم والمسكّة وهی القلْبُ (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۰۱). مراد از زینت در این صحیح‌ه، انگشتر و دستبند عنوان شده است» (شیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۵۶۸).

ذیل آیه ۳۱ سوره نور نیز این معنا را تایید می‌کند: «وَلَا يُضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ»؛ «و زنان پاهای خود را بر زمین نکوبند تا زینت‌های مخفی‌شان معلوم شود». زدن پا بر زمین، منجر به معلوم شدن بدن که نمی‌شود؛ بلکه منجر به علم به نفس زینت‌های مخفی، همچون خلخال و... می‌شود و از فراز اول آیه، تنها زینت‌های ظاهر استثنا شده، لذا حرمت ابداء، مختص زینت‌های مخفی زن است (خوبی، ۱۴۱۸، ج ۳۲، ص ۴۱).

۴. معنای مختار زینت در آیه

باتوجه به اینکه شارع، زینت را در معنای بدن به کار برده است و حال آنکه چنین معنایی از معنای لغوی زینت متبادر نیست؛ چراکه آراستن با بدن که معنا ندارد، می‌توان معنای زینت در آیه را به نحوی برداشت کنیم که با هر دو سازگار باشد. به نظر می‌رسد می‌توان بدن را زینت بالقوه و حتی گاهی مخفی دانست. همچنین از علت ذکرشده در ذیل آیه، هر عملی که منجر به علم به این زینت بالقوه شود نیز نهی شده است.

در ادامه، باتوجه به این برداشت، پاسخ برخی شبهات مبنی بر استثنای وجه و کفین به نحو مطلق و با هر نوع زینتی هم داده می‌شود؛ چراکه معمولاً زیبایی وجه و کفین، عاری از آرایش و زیورآلات غیرمتعارف، مخفی و پوشیده است. لکن برخی قاصدانه با استعمال زیورآلات غیرمتعارف، زینت‌های نوپدید و حتی عمل‌های جراحی زیبایی، زیبایی اعضای بدن را در برابر نامحرم آشکار می‌کنند و آیه دلالت بر نهی از این عمل نیز دارد. لذا نمی‌توان استثنای وجه و کفین را به نحو مطلق برداشت نمود؛ چراکه قرینه داخلی در آیه از آن نهی می‌کند.

۵. استفاده از آیه در منع ابداء زینت روی لباس

باتوجه به معنای ذکرشده از آیه، به نظر می‌رسد استفاده از زینت‌های مخفی - که معمولاً در اعضای مخفی بدن همچون سینه، ذراع (ساعد)، پا و... مورد استفاده قرار می‌گیرند - همچون گردن‌بند، خلخال، دستبند و... بر روی لباس، به نحوی که موجب علم به زینت‌های مخفی زن شوند جایز نباشد. این معنا، از ملاکی که از ظاهر آیه برداشت می‌شود به دست می‌آید؛ چراکه در آیه، زدن پا بر زمین موضوعیت ندارد؛ بلکه طریقی است در جهت علم نامحرم به زینت‌های مخفی زن. از علت ذکرشده در آیه، عدم جواز هر نوع استفاده دیگر از زینت‌های مخفی که منجر به علم نامحرم به زینت‌های مخفی زن شود نیز برداشت می‌شود.

چنان‌که ذکر شد، در آیه دو بار استثنا ذکر شده است. برخی از محققین قائلند استثنای اول: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» در مقام بیان حرمت آشکار کردن نوع زینت (زینت باطنی) و استثنای دوم: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ...» در مقام بیان افرادی است که ابداء زینت در مقابل آنها حرام است (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۴۰۸، ص ۵۷۲؛ سبحانی، بی تا، ج ۱، ص ۴۴ و سیفی مازندرانی، ۱۴۱۷، ص ۲۷).

به عبارت دیگر، فراز اول از جهت منظور (کسی که به او نظر می‌کند) عام است، مگر دلیلی بر خروج از عام داشته باشیم و فراز دوم از حیث ناظر عام است، مگر دلیلی بر خروج از عام داشته باشیم (اشتهدی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۴۶۲). استثنای اول به این معناست که ابداء زینت‌های مخفی در مقابل همه افراد جایز نیست؛ لکن استثنای دوم، موارد خروج از عام استثنای اول را بیان داشته است و قرینه متصل استثنای اول محسوب می‌شود؛ به این معنا که ابداء زینت مخفی زن، برای همه افراد به جز محارم ذکر شده در ادامه آیه حرام است. بنابراین، با توجه به اینکه ذکر شد بدن زن هم زینت بالقوه است، هر عملی که منجر به ابداء و آشکارسازی بدن یا زینت بالقوه او شود حرام است؛ حتی وجه و کفین که از جمله زینت‌های آشکار زن شمرده شده نیز با شرایطی از حرمت ابداء استثنا شده است، به شرطی که زینت مخفی بدن آشکار نشود.

۶. حکم فقهی ابداء آرایش‌های نوپدید

روشن است که نمی‌توان با استناد به آیه، آرایش‌های نوپدید را که خاص محافل و زمان‌های خاص بوده است و معمولاً توسط زن‌ها استفاده نمی‌شود استثنا دانست و مشخص است که آیه ناظر به این آرایش‌ها نیست. به عبارت دیگر، وجه استثنای سرمه و انگشتر در عصر نزول این بوده است که معمولاً دست و چشم خانم‌ها از این دو عاری نبوده و عدم جواز کشف آنها، منجر به عسر و حرج می‌شده است. از طرفی استعمال این دو مورد به قصد و غرض دیده شدن نبوده است، اما این دلیل بر این نمی‌شود که امروزه هر نوع آرایشی که گاهی برخی از خانم‌ها استفاده می‌کنند را نیز استثنا دانست.

در این میان، عمل‌های جراحی زیبایی، علاوه بر اینکه مورد ابتلای عموم نیست، نمی‌توان آنها را استثنا دانست.

به‌طورکلی این عمل‌ها خود دو نوع هستند: ترمیمی و زیبایی. عمل‌های ترمیمی عمل‌هایی هستند که فرد در اثر بروز یک حادثه یا بیماری، قسمتی از زیبایی خود را از دست می‌دهد و چهره و پوست او از حالت طبیعی خارج می‌شود. در عمل ترمیمی، پوست به حالت قبلی و طبیعی خود برمی‌گردد. برای مثال، اگر پوست چهره فردی به واسطه سوختگی، از حالت ابتدایی خود خارج شود و به صورت سیاه و چین و چروک درآید، عملی که جراح به واسطه آن، پوست فرد را به حالت اولیه برمی‌گرداند، عمل جراحی ترمیمی نامیده می‌شود. همچنین اعمال جراحی ترمیمی، عمل‌هایی را که در اثر آن، یک عضو به واسطه ترمیم طبیعی بافت‌های بدن یا در اثر بخیه و سایر جراحی‌ها از حالت طبیعی خارج شده و با عمل ترمیمی به حالت اولیه خود بازمی‌گردد را نیز شامل می‌شود (پایگاه تخصصی فقه حکومتی و سائل، بررسی فقهی پدیده آرایش‌های نوظهور در جامعه، ۲۴ آبان ۱۳۹۵). در صورتی که این‌گونه عمل‌ها، عمل‌های ترمیمی باشد، به نظر می‌رسد نیازی به پوشش آن نیست؛ زیرا داخل در استثنای وجه و کفین است. اما اگر این عمل‌ها صرفاً به قصد و غرض زیبا شدن انجام شود، از آنجا که فراتر از زینت‌های عادی است، در محدوده استثنای زینت ظاهر وجه و کفین قرار نگرفته و لازم است پوشانده شوند. برخی از آرایش‌های زنان، قابل از بین بردن و یا جدا کردن است؛ مانند سرمه، خط چشم، خط لب، خط ابرو، لاک‌های نمازی و... برخی دیگر از آرایش‌های زنان به راحتی قابل از بین بردن و یا جدا کردن نیستند که عمل‌های جراحی زیبایی بینی، لب، مژه، گونه، پلک و... در صورت، کاشت ناخن در دست و... در این دسته جای دارند. دسته دوم، نمونه‌ای از اعمالی است که منجر به ابداء و آشکارسازی زینت‌های بالقوه بدن زن می‌شوند. حال اگر کسی این نوع از عمل‌ها را جهت ترمیم انجام دهد، در واقع نقص زیبایی طبیعی بدن خود را جبران نموده است و نمی‌توان به آن ابداء زینت نسبت

داد. اما امروزه بسیاری از عمل‌های جراحی زیبایی، در این جهت انجام نمی‌شوند؛ بلکه صرفاً برای ایجاد زیبایی و به بیان دیگر، آشکارسازی زیبایی بالقوه بدن انجام می‌گیرند و طبق آنچه بیان شد، تحت حرمت ابداء زینت قرار می‌گیرد که ابداء آنها در مقابل نامحرم جایز نیست.

علاوه بر اینکه مفاسدی که مترتب بر ابداء این گونه آرایش‌هاست بر کسی پوشیده نیست «و لکن جرئت بر این کلام سخت است که انسان اظهار نظر قطعی کند و بگوید زن‌ها می‌توانند در صورت خود انواع و اقسام آرایش‌ها را داشته باشند و به خیابان بروند. و مفاسدی که بر این امر مترتب می‌شود منشأ می‌شود که انسان لاًقل در مسئله احتیاط کند» (درس خارج فقه محمدتقی شهیدی، ۰۱/۱۳۹۷/۲۶). لذا حکم حرمت ابداء، بر آرایش‌های نوپدید نیز بار می‌شود.

۷. حکم فقهی نظر به آرایش‌های نوپدید

این فراز از آیه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» در فرض وجود ناظر معنا دارد وگرنه ابداء بنفسه که حرمتی ندارد. علاوه بر اینکه حرمت ابداء، ملازم با حرمت نظر نیز هست؛ لذا این فراز از آیه، علاوه بر دلالت بر حرمت ابداء در فرض وجود ناظر، بر حرمت نظر نیز دلالت دارد (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۲، ص ۶۶).

نکته قابل توجه دیگر این است که عدم جواز ابداء، با حرمت نظر ملازمه دارد؛ لکن جواز ابداء، با جواز نظر ملازمه ندارد. در نتیجه، جواز ابداء زینت آشکار (وجه و کفین)، با جواز نظر مرد به وجه و کفین زن ملازمه ندارد (شسیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۴۲ و خویی، ۱۴۱۸، ج ۳۲، ص ۴۱). لذا علاوه بر اینکه لازم است آرایش‌های غیرمعمول و نوپدید زنان در وجه و کفین مورد پوشش واقع شوند، حتی اگر زنی بی‌مبالاتی نماید و این گونه زینت‌ها را در معرض دید قرار دهد، جواز نظر به آن اثبات نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد با اینکه استعمال زینت در اعضای بدن با توجه به مفهوم لغوی آن (نقیض شین و هرآنچه انسان با آن خود را می‌آراید) صحیح نیست؛ لکن شارع، مفهوم زینت را گسترش داده و آن را در اعضای بدن نیز به کار برده است. لذا مانعی نیست که زینت در هر دو فراز، معنای جامع خود را حفظ کرده و هم در معنای اعضای بدن باشد و هم زیورآلات و آرایش. در فراز اول، حکم اولیه، حرمت ابداء زینت است؛ یعنی هر نوع زینت، چه اعضای بدن و چه زیورآلات و آرایش‌های زن، خواه از نوع متصل به اعضای بدن باشد مثل رنگ و... و خواه جدا از اعضای بدن یا آویزان شده به بدن مثل طلا و نقره در هیئت زیورآلات.

حکم اولیه در همه این زینت‌ها، حرمت است. منتها در خود آیه، استثنا از حکم اولیه ذکر شده است: الا ما ظهر منها (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۳۲). مراد از ما ظهر، روشن و واضح نبوده و مورد سؤال واقع شده است. براین اساس، چندین روایت در این باب ذکر شده است. در برخی روایات، مراد از ما ظهر، اعضای بدن عنوان شده است؛ همچون صحیح‌ه فضیل (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۰۰) که ذکر شد. در برخی دیگر از روایات، مراد از ما ظهر، زیورآلات و آرایش عنوان شده است؛ همچون صحیح‌ه ابی بصیر که بیان گردید (همان). از آنجا که هر دو روایت، صحیح‌ه و قطعی الصدور هستند، لذا همان معنای جامع زینت اثبات می‌شود.

در اینکه مراد از زینت آشکار چیست، لازم است زینت آشکار را به نحوی بیان کنیم که هم شامل اعضای بدن شود هم زیورآلات و آرایش‌هایی که توسط معصوم در روایت ذکر شده است؛ چراکه حضرت در مقام بیان زینت ظاهر بوده است و اگر مورد دیگری بود بیان می‌کردند. از جمله روایت‌های صحیح‌ه دیگری که در مقام بیان مراد از زینت آشکار است، صحیح‌ه مسعدة بن زیاد است: «عَبْدُ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرًا وَسُئِلَ عَمَّا تُظْهَرُ الْمَرْأَةُ مِنْ زِينَتِهَا قَالَ الْوَجْهَ وَالْكَفَّيْنِ» (همان، ص ۲۰۲).

در این صحیحه، تنها وجه و کفین به عنوان زینت آشکار و از حکم حرمت ابداء زینت استثناء شده است؛ لذا زینت آشکار در نفس اعضای بدن (وجه و کفین) و سرمه و انگشتر که در روایت ذکر شده، محدود گردیده است و امکان ندارد آرایش‌های نوظهور نیز از جمله زینت‌های آشکار، استثنا شده باشد. البته به نظر می‌رسد اینکه بگوییم مراد از انگشتر، تنها همان انگشتری است که در عصر صدور استفاده می‌شده است و قابل تعمیم به انگشترهای امروزی نیست، تعبیر دقیقی نباشد؛ چراکه منجر به اعراض از روایت می‌شود و چنان انگشتری قاعداً امروزه اصلاً مورد استفاده نیست و حتی سرمه‌ای با همان مشخصات عصر صدور که قاعداً امروزه مورد استفاده نیست. بلکه می‌توان گفت مراد از انگشتر، همان هیئتی است که امروزه معمولاً زنان از آن استفاده می‌کنند و معمولاً زنان حلقه ازدواج خود را دست می‌کنند و بتوان گفت مراد از سرمه نیز ترکیبی باشد که معمول زنان از آن بر چشم خود استفاده می‌کنند ولو امروزه سرمه نباشد و آرایش‌هایی مشابه سرمه باشد. البته باید توجه کرد که جواز ابداء سرمه و انگشتر یا هیئت و ماده مشابه آنها به معنای جواز ابداء هرگونه زینت‌های دیگر در وجه و کفین نیست؛ چراکه در عصر صدور نیز آرایش‌ها و زیورآلات دیگری غیر از سرمه و انگشتر موجود بوده، لکن تنها همین دو مورد استثنا شده است و عقل درک می‌کند که استثنای سرمه و انگشتر، به معنای استثنای تمام زینت‌های استعمال شده در این دو عضو نیست.

فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۳ش)، ترجمه: حسین انصاریان، قم: انتشارات اسوه.
۱. ابن فارس، ابوالحسین احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
 ۲. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
 ۳. اشتهازی، علی پناه (۱۴۱۷ق)، مدارک العروة، تهران: دار الاسوة للطباعة و النشر.
 ۴. آملی، میرزا محمد تقی (۱۳۸۰ق)، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، تهران: بی نا.
 ۵. جمعی از مؤلفان (بی تا/ الف)، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
 ۶. جمعی از مؤلفان (بی تا/ ب)، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (بالعریبه)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
 ۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، الصحاح؛ تاج اللغة و صحاح العریبه، بیروت: دار العلم للملایین.
 ۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
 ۹. حکیم، سید محسن طباطبایی (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروة الوثقی، قم: مؤسسه دار التفسیر.
 ۱۰. حلی، مقداد (۱۴۲۵ق)، کنز العرفان، قم: انتشارات مرتضوی.
 ۱۱. خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۸ق)، موسوعة الامام الخویی، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
 ۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، لبنان - سوریه: دار العلم - الدار الشامیه.
 ۱۳. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب العربی.
 ۱۴. سبحانی تبریزی، جعفر (بی تا)، نظام النکاح فی الشریعة الاسلامیه الغراء، قم: بی نا.
 ۱۵. سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۴۱۳هـ. ق) مهذب الاحکام، قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله.

۱۶. سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۱۷ق)، دلیل تحریر الوسيلة؛ الستر و الساتر، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۷. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق)، کتاب نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
۱۸. صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الكتاب.
۱۹. عاملی کرکی، محقق ثانی علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۰. فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۰۸ق)، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة، قم: بی نا.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۲۲. فیومی، احمد بن محمد مقرئ (بی تا)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: منشورات دار الرضی.
۲۳. کاظمی فاضل اسدی، جواد بن سعد (بی تا)، مسالک الافهام الی آیات الاحکام، بی جا: بی نا.
۲۴. محقق داماد یزدی، سید محمد (۱۴۱۶ق)، کتاب الصلاة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز الكتاب للترجمة والنشر.
۲۶. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا)، زبدة البیان فی احکام القرآن، تهران: المكتبة الجعفریة لاحیاء الآثار الجعفریة.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق)، کتاب النکاح، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- منابع اینترنتی
 ۲۸. پایگاه تخصصی فقه حکومتی وسائل (۱۳۹۵ش)، «بررسی فقهی پدیده آرایش های نوظهور در جامعه»، ۲۴ آبان ۱۳۹۵، vasael.ir.

۲۹. جعفری هرنیدی، محمد؛ موسوی، محمدصادق و درزی، مهراوه (۱۳۹۸ش)، «تأثیر عرف در احکام پوشش و حجاب زنان مسلمان»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ش ۵۵، ص ۷۵-۹۶.
۳۰. درس خارج فقه استاد محمدتقی شهیدی، ۱۳۹۷/۰۱/۲۶.
۳۱. عبدالله پور، اکرم (۱۳۸۶ش)، «ماهیت‌شناسی فقهی مسئله پوشش وجه و کفین با رویکردهای قرآنی»، بانوان شیعه، ش ۱۱، ص ۶۳-۱۰۰.
- (<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1494411>)
۳۲. غفاری، فرزانه (۱۳۹۱ش)، «ستر و حجاب در قرآن»، بینات، ش ۷۴، ص ۱۸۸-۲۰۲.
۳۳. غفوری، خالد (۱۳۸۷ش)، «اظهار زینت و حکم آن»، مجله فقه اهل بیت (ع)، ش ۵۴، ص ۱۴۳-۱۸۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني